



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The debate in texts in 4th and 5th century (Theology encyclopedia), Nowruznameh, Kimiaye Saadat

N. Zarei*, A. Taslimy, M. Khazaneh Darlou

Department of Persian Language and Literature, University of Guilan, Rasht, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 08 October 2020
Reviewed: 19 November 2020
Revised: 05 December 2020
Accepted: 17 January 2020

KEYWORDS

encyclopedia, Nowruznameh, Kimiaye Saadat, analysis of debate, dominant debate, religious and worldly affairs.

*Corresponding Author

✉ nadiazarei25@yahoo.com

☎ (+98 13) 33690274

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Analysis of the debate has main contents and theories which each may be effective for analysis of encyclopedia, Nowruznameh, Kimiaye Saadat. The debate studies are important for showing a methodical relation between social, political and religious views of critics. Among this, the Ernesto Laclau and Chantal Muffle debates which are closer to the Foucault one globally and also Fairleigh debate may be used. Study of Avicenna, Khayam and Ghazali debates provides possibility of challenging inclusive debate ruling on effect and evolution of stabilized system of its concepts by determining meaningful relation of the text.

METHODOLOGY: The present research is a descriptive-analytical study which has been performed by library method. In this research, the formation of the debate which is used by these three writers are analyzed by approach of debate analysis.

FINDINGS: This study shows that the Avicenna debate in proving Asity is a philosophical-rational debate relying on reasoning. Khayam debate is a cultural-material debate which plays a fundamental role in reproduction of Nowruznameh debate. Ghazali debate has a mystical trend.

CONCLUSION: Although these three debates are in contrast with each other, but the Khayam broad-minded debate is in contrast with the Avicenna and Ghazali broad-minded debates and the Avicenna and Ghazali debates are in contrast with each other. Among these three debates, the dominant Ghazali debate, with overstatement and boycott mechanism, rejects two other debates and features its debate as dominant and best power.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5607](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5607)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 24	 0	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب)

مقاله پژوهشی

گفتمان حاکم بر متون قرن چهارم و پنجم دانشنامه (الهیات)، نوروزنامه، کیمیای سعادت

ناهیده زرعی*، علی تسلیمی، محمد خزانه‌دارلو

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: تحلیل گفتمان دارای مطالب و نظریه‌های عمده‌ای است که هر یک از آنها می‌تواند برای تحلیل دانشنامه، نوروزنامه و کیمیای سعادت کارساز باشد. مطالعات گفتمانی از این جهت که نسبتی روشمند بین متن و دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی منتقدان را آشکار می‌سازد، حائز اهمیت است. در این میان میتوان از گفتمان ارنستولاکلاو شنتال‌موف که از جهاتی به فوکو نزدیکتر است و همچنین از گفتمان فرکلاف استفاده کرد. بررسی گفتمان ابن‌سینا، خیام و غزالی، با مشخص کردن شبکه روابط معنابخش متن، امکان به چالش کشیدن گفتمان فراگیر حاکم بر اثر و تحول بر نظام تثبیت‌شده مفاهیم آن را فراهم می‌سازد.

روش مطالعه: پژوهش پیش‌رو مطالعه‌ای توصیفی - تحلیلی است که به شیوه پژوهش کتابخانه‌ای انجام شده است، در این پژوهش با رویکرد تحلیل گفتمان، صورت‌بندیهای گفتمانی که این سه نویسنده بکار گرفته‌اند، تحلیل و تبیین میشود.

یافته‌ها: گفتمان مورد التزام ابن‌سینا در اثبات واجب‌الوجود، گفتمانی عقلی - فلسفی، متکی بر استدلال است. و گفتمان خیام گفتمانی مادی - فرهنگی است که در بازتولید گفتمان نوروزنامه، نقش اساسی ایفاء میکند. گفتمان غزالی با گرایش عرفانی است.

نتیجه‌گیری: هرچند این سه گفتمان باهم در تقابل هستند، بیشتر، گفتمان جهان‌بین خیام در مقابل گفتمان جان‌بین ابن‌سینا و غزالی است، گفتمان ابن‌سینا و غزالی نیز در تقابل هم می‌باشند. در بین این سه گفتمان، گفتمان غالب غزالی با در دست داشتن قدرت و اعمال فشار بر دو گفتمان دیگر، آنها را از میدان گفتمانی طرد میکند و خود بعنوان قدرت غالب و برتر، گفتمان خود را نمایان میکند.

تاریخ دریافت: ۱۷ مهر ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۲۹ آبان ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۱۵ آذر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۸ دی ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

دانشنامه، نوروزنامه، کیمیای سعادت، تحلیل گفتمان، گفتمان غالب، امور دینی و دنیایی.

* نویسنده مسئول:

✉ nadiazarei25@yahoo.com

☎ ۰۲۷۴ ۳۳۶۹۰۱۳ (۹۸+)

مقدمه

وجود اختلافات گوناگون یکی از ویژگیهای زندگی بشر است. چندکشی بودن آدمی و وجود نیروی اراده و عقل، او را بگونه‌ای در صحنه هستی، ظاهر ساخته است. قرن چهارم و پنجم قرون هستند که سختترین نوع اختناق و تفتیش عقاید بر عالم اسلام، حکمفرما بود. حکما و فلاسفه شدیدترین آسیبها و صدمات را از طرف اهل حدیث، فقها و متشرعین قشری تحمل میکردند. «در قرن پنجم، بغداد مرکز خلافت اسلامی، در محاصره دو قدرت قویتر از خود، قرار گرفته بود. در غرب فاطمیون مصر و در شرق ترکان سلجوقی حکومت مقتدر ترکان سلجوقی را وزیر اعظم (خواجه نظام‌الملک طوسی) اداره میکرد. به فرمان او، پایه نظامیها در نقاط مختلف عالم اسلام، گذاشته میشود و امام محمد غزالی، بزرگترین و قویترین فقیه و متکلم عالم اسلام، به مقام ریاست این نظامیه تکیه میزند» (غزالی‌نامه، همایی: ص ۲۵). انگیزه قوی صیانت از دین بعنوان وظیفه اصلی یک متکلم و احساس مسئولیت در قبال چنین وظیفه‌ای، غزالی را وادار به معارضه با ابن‌سینا و خیام نموده است. لذا پژوهش حاضر میتواند با بررسی این سه اثر و کشمکش آنها در میدان گفتمانی، به گفتمان غالب و پس‌زنده گفتمانهای دیگر دست یابد و نشان دهد که گفتمان غالب چگونه سعی میکند تا نظم گفتمانی خود را، پدید آورد و به این پرسشها پاسخ داده میشود: اساس ارزش گفتمانهای حاکم بر کیمیای سعادت، نوروزنامه و دانشنامه علایی بر چیست؟ کدام یک از گفتمانها در سیاست و جامعه غالب بوده است؟

برای پاسخ به این سؤالا اینگونه میتوان فرضیه‌ها را مطرح کرد: بنظر میرسد تفهیم، تعلیم و بیان مفاهیم ایدئولوژیک که بیشتر بر معناگرایی استوار است؛ اساس و هدف تدوین این آثار است. معمولاً گفتمانهای مذهبی که خود را به سیاست نزدیک میکنند، به کمک قدرتهای سیاسی میتوانند غالب شوند و گفتمانهای مجاور را مغلوب کنند. گفتمانهای مجاور بدلیل نشانه‌های غیرمردمی و غیرسیاسی حذف میشوند.

اهمیت و سابقه پژوهش

درمورد اهمیت و ضرورت این تحقیق میتوان بیان کرد که متون قرن چهار و پنج مارا با سیر تحول و روند تغییرات در زمینه‌های مختلف فرهنگی، فلسفی، اجتماعی آشنا میسازد. این نوشته پژوهشی است کتابخانه‌ای، با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد انتقادی. درمورد پیشینه این تحقیق میتوان به این تحقیقها اشاره کرد. پایان‌نامه «سبک‌شناسی نامه‌های امام محمد غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی» از مریم درپر، در دانشگاه فردوسی مشهد. این پژوهش با هدف معرفی شاخه‌های نو در سبک‌شناسی فارسی، به سبک‌شناسی انتقادی نامه‌های امام محمد غزالی پرداخته است.

ذکاوتی (۱۳۷۷) در مقاله «دانشنامه خیامی» رسالات و آثار چاپ‌شده عمر خیام را در این مجموعه شرح میدهد. کاکایی (۱۳۸۳) در مقاله «خیام و عبور از عصر تجدد» تأثیرات خیام را در آثار هدایت جستجو و بررسی میکند. حمید طاهری در مقاله «بررسی و تحلیل زبان دانشنامه علایی» به بسیاری از مختصات و ظرافتهای زبانی این اثر دست یافته است.

نفیسی (۱۳۱۶) در مقاله «آثار فارسی ابن‌سینا» درباره اوضاع و احوال ابن‌سینا، زندگی، آراء و اندیشه‌هایش سخن میگوید و فهرستی از آثار فارسی ابن‌سینا را عرضه میکند.

بحث و بررسی

تحلیل گفتمان

گفتمان عبارت است از کاربرد زبان در رابطه با صورت‌بندی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی - زبانی که بازتاب‌دهنده نظم اجتماعی است و درعین حال به نظم اجتماعی و کنش متقابل افراد با جامعه شکل می‌دهد. بنابراین گفتمانها نظامهایی خودبنیادند که برای دستیابی به قدرت، زبان و همه پدیدارهای اجتماعی دیگر را در سیطره خود میگیرند. به این ترتیب «گفتمان نظام شاملی است که از زبان بزرگتر است و چگونگی آن را رقم میزند» (The Discourse Reader Route, Adam: p3).

لاکلا و موف تمامی پدیده‌های اجتماعی و سیاسی را گفتمانی میدانند، چه با کاربرد زبان مرتبط باشند و چه نباشند؛ زیرا قابلیت فهم آنها در فضای گفتمانی خود بیشتر است. آنان بر وجود فضایی تأکید دارند که انسانها در آن، دنیای پیرامون خود را میفهمند و بر پایه آن فهم گفتمانی، اعمال و رفتار فردی و اجتماعی، عقاید و قوانینشان شکل میگیرد و قابل درک میشود (قدرت، گفتمان و زبان، سلطانی: ص ۱۰۷). بنابراین از تحلیل گفتمان میتوان در انواع گوناگون مطالعه‌ها و کندوکاو در قلمروهای مختلف اجتماعی، استفاده کرد. همچنین سطح دیگر، استفاده از تحلیل گفتمان در فلسفه سیاسی - اجتماعی است که مبنای نگرش فلسفی به مفاهیم گفتمان را فراهم آورده‌اند. نظریات فوکو مبنای فلسفی نگرش به مفاهیم گفتمان و قدرت در معنای متکثر آن را فراهم آورده است. ویژگی اصلی دیدگاه او معرفت و شناختی است که بر اثر تحولات اجتماعی و سیاسی باعث شکل‌گیری ایدئولوژی خاص برخاسته از آشفتگیها و تحمیلها در جامعه میشود (مطالعاتی در تحلیل گفتمان وندایک: ص ۱۸). فوکو در پی یافتن پاسخ به این پرسش بود که چه شرایطی در هر دوره تاریخی خاص موجب میشود گونه‌های خاصی از گفتمانها بکار برده شده و رواج یابند. براساس این نظریه فوکو میتوان صورتهای گفتمانی این سه اثر را به شرح زیر بیان کرد.

صورتهای گفتمانی الهیات: شناخت واقعی خدا تنها برای اندکی از انسانها امکانپذیر است. حتی انبیای الهی مکلف نیستند که تمام ویژگیهای واجب تعالی را با مردم عادی در میان گذارند. چون حاصل آن جز تشویش ذهنی نیست. چگونگی شناخت خداوند و اثبات او، خواص وجودی و علم و اوصاف خداوند، بحث از علت و معلول، ضد و عدم، واحد و کثیر و ... اسامی الهیات را تشکیل میدهد. همین امر منجر به تولید صورتهای گفتمانی متعدد در الهیات شده است. فوکو معتقد است «در صورتی به مجموعه‌ای از گزاره‌ها، گفتمان خواهیم گفت که به یک صورت‌بندی گفتمانی تعلق داشته باشند» (نظریه و روش در تحلیل گفتمان، یورگنس: ص ۳۵). کلیه براهین و استدلالهایی که برای اثبات واجب‌الوجود بکار میرود، گزاره‌هایی هستند که صورتهای گفتمانی الهیات را خلق کرده‌اند.

صورت گفتمانی واحد و کثیر: صورتهای گفتمانی در گفتمان الهیات، به‌منزله خرده‌گفتمانهایی هستند که گفتمان الهیات را تشکیل میدهند. این صورتهای گفتمانی در زیرمجموعه گفتمانها قرار میگیرند، چراکه از وجود چندین صورت گفتمانی، یک گفتمان حاصل میشود. در الهیات دانشنامه، صورتهای گفتمانی واحد و کثیر، ضد و عدم، علت و معلول خرده‌گفتمانهایی هستند که گفتمان کلان الهیات را تشکیل میدهند. «صورتهای گفتمانی متشکل از تعداد محدودی از گزاره‌ها هستند که بتوان گروهی از شرایط لازم برای وجود آن را تعریف کرد» (همان: ص ۳۵).

صورت گفتمانی واحد و کثیر از جمله مفاهیم فلسفی هستند که از گزاره‌های محدود و متعددی تشکیل شده‌اند؛ زیرا اقوال فلاسفه در مورد این دو مفهوم متفاوت است؛ عده‌ای از فلاسفه معتقدند که مفهوم واحد، نزد عقل اعراف است و مفهوم کثیر نزد خیال.

«هر کدام از این دو، اگرچه از اموری هستند که در ذهن نقش می‌بندند، ولی چون آنچه که در خیال ترسیم می‌شود از محسوسات است و محسوسات هم اموری هستند که دارای کثرت هستند، پس کثرت در وهله اول در خیال نقش بسته و عقل آن را از خیال انتزاع می‌کند» (حکمه المتعالیه: ص ۸۳). حال آنکه بحث واحد و کثیر در زمان ابن‌سینا، شاگردان و معاصرانش بخش جداگانه‌ای نداشت؛ زیرا ایشان واحد را جزو اعداد نمی‌دانستند، بحث از وحدت را هم استطرادی و به تبع بحث کثرت مطرح کرده‌اند. ولی از زمان ملاصدرا به بعد این بحث را بصورت مستقل مطرح کرده‌اند.

سواى وحدت و کثرت عددی که بیشتر در زندگی روزمره وجود دارد و با نظریات فلاسفه در بیشتر موارد متفاوت است، گفتمانهای مختلف فلاسفه در مورد وحدت و کثرت در برخی موارد به وحدت منجر میشود. «هر صورت گفتمانی واجد چهار عنصر اساسی است که سبب وحدت و انسجام درونی گفتمان میشود، یکی از این چهار عنصر، دیدگاه‌های نظری است که توسط گزاره‌ها بازگو میشود».

(The political function of the intellectual, Foucault: p 52)

دیدگاه نظری و گزاره‌های ابن‌سینا در مورد صورت گفتمانی واحد و کثیر همان وحدت وجود عرفانی را میتوان از آن نتیجه گرفت. یعنی وحدت عین کثرت و کثرت عین وحدت است. «بسیاری برابر یکی است. چون دانستی که یکی چند است، دانستی که بسیاری چند است» (دانشنامه‌ی علایی: ص ۳۵۱). ابن‌سینا واحد را واحد جزئی و کثیر را یا به شمار یا جنس یا نوع یا عرض و یا به نسبت میدانند. «واحد به حقیقت واحد جزئی بود و دو گونه بود: یا چنان بود که به رویی واحد بود و یکی بود و به رویی بسیار، یا به هیچ روی اندر ذات وی بسیار نیست چنانکه نقطه و چنانکه ایزد تعالی، و آنکه اندر وی» (همان: ص ۳۴۹). «به رویی بسیاری بود یا به قوت بود یا به فعل. ... و اما یکی به رویی دیگر آن را گویند که چیزهای بسیار بوند که اندر زیر یکی کلی افتد چنانکه گویند: مردم و اسپ یکیند به حیوانی، و این یکی جنسی است، یا ... زید و عمرو یکیند به مردمی و این یکی نوعی است یا ...» (همان: ص ۳۵۱). دیدگاه نظری و گزاره‌های ابن‌سینا در مورد واحد و کثیر به این صورت است که وحدت با کثرت منافاتی ندارد و وحدت جز با کثرت سامان نمی‌پذیرد.

صورت گفتمانی ضد و عدم: پیدایش شناخت در آدمی، همانند هر پدیده‌ای وابسته به عللی است؛ بنابراین تا زمانی که علل و عوامل مؤثر در شناخت حاصل نشود، هیچ شناختی پدید نمی‌آید. فلسفه بعنوان شناخت عقلانی که مبتنی بر فعالیت‌های مختلف ذهن آدمی است، بدون مقایسه، تحلیل، استدلال و ... حاصل نمیشود با توجه به اینکه یکی از رویکردهای تحلیل گفتمان، زبان‌شناسی است، «تحلیل گفتمان با این رویکرد چشم‌انداز بسیار متنوع و وسیعی پیش روی زبان‌شناسی گشوده است ... که با ابزارهای روش‌شناختی به تجزیه و تحلیل گفتار، نوشتار ... می‌پردازد» (the discourse reader, coupland: p 33).

ابن‌سینا نیز با ابزارها و روشهای خاص خود به تجزیه و تحلیل صورت گفتمانی ضد و عدم پرداخته است. روش ابن‌سینا در این زمینه بر مبنای اصالت وجود استوار است. او میان صورت گفتمانی ضد و عدم فرق قایل است. «فرق میان ضد و عدم آن است که ضد نه آن بود که چیزی از پذیرایی بشود اندر وی نبود، بلکه آن بود که بیرون نابودن چیزی هست بود برابر وی، که گرمی نه آن است که سردی نبود اندر آن چیز، که سردی اندر وی

شاید که نبود بلکه با آن که وی بنود چیزی بود که وی زیادت بود بر نیستی و ایستاده بود برابر سردی. و اما عدم آن بود که آن چیز نبود و بس» (دانشنامه‌ی علایی: ص ۳۵۱).

در میان فلاسفه غرب، عدم جایگاه دیگری دارد. «هگل عدم را معادل وجود میدانند. فلاسفه اصالت وجود انسانی، وجود و عدم را متفاوت میدانند. سارتر عدم را دارای یک صفات جعلی میدانند، یعنی چون معنای آن نفی و فقدان است و خود به خود وجود ندارد» (فرهنگ فلسفی، صلبیا: ص ۴۶۳). ابن‌سینا در گفتمان الهیات با این گزاره اندک، صورت‌گفتمانی ضد و عدم را به پایان برده است. او ضد را به معنای نقض چیزی در وجود یک چیز نمیداند بلکه میگوید گرمی و سردی با هم در یک چیز جمع نمیشوند و نبود یکی بمنزله عدم دیگری نیست، ولی عدم را بطلان محض میدانند.

صورت‌گفتمانی علت و معلول: صورت‌گفتمانی علت و معلول از مهمترین اصولی است که در فلسفه و علوم دیگر کاربرد فراوان دارد و دیدگاه فلاسفه در مورد این صورت‌گفتمانی متفاوت است. فلاسفه و متکلمین بخاطر اثبات این صورت‌گفتمانی دائماً در تعارض و کشمکش با یکدیگرند، زیرا مباحثی چون اثبات وجود خدا، ارتباط حق تعالی در افعال خود با افعال ممکنات و مخلوقات و ... همه از مسائل مرتبط با اصل علیت است. بطوریکه «گفتمانها در انزوا و خلأ وجود ندارند، بلکه در کشاکش دائم با گفتمانها و رویه‌های اجتماعی دیگری قرار دارند، همچنین پایگاه تعارض دایمی بر سر معنا هستند» (میلز، ۱۳۸۸: ص ۲۹). صورت‌گفتمانی علت و معلول «از اساسیترین اصل هر تفکری است و انسان بدون رابطه علی، قادر به اندیشیدن نیست؛ بنابراین تاریخچه پیدایش و کشف رابطه علی، به آغاز پیدایش بشر برمیگردد. اما بکارگیری آن بعنوان یک اصل فلسفی بنا به گفته ارسطو به تالس برمیگردد» (ارسطو، ۱۹۸۴).

«گفتمان علمی دارای نظامی است، متشکل از اجزاء و عناصری که وابسته به یکدیگرند و در کل سازمانی معقول را تشکیل میدهند» (ضیمران، ۱۳۹۶: ص ۵۱). علت و معلول وابسته به یکدیگرند. علت آن چیزی است که معلول در هستی خود به او نیازمند است. ابن‌سینا در تعریف علت و معلول میگوید: علت هر آن چیزی است که خودش به خودی خود یا بواسطه دیگری دارای وجود تام و کامل گشته، سپس منشأ پیدایش و قوام پدیده دیگر باشد. «هر چیزی که ورا هستی بود نه از چیزی معلوم، و هستی آن چیز معلوم به وی بود، ورا علت آن چیز معلوم خوانیم و آن چیز را، معلول وی خوانیم ... پس هر چه بهره‌ای است از وجود چیزی، وی علت آن چیز است» (ابن‌سینا، ۱۳۹۴: ص ۳۵۶). بنابراین علیت سینوی، بر مبنای وجود است و علت و معلول با هم رابطه وجودی دارند و وجود معلول به وجود علت وابسته است و علل مادی، صوری، فاعلی و غایی بر مبنای وجود، تعریف میشوند. «پس علت دو گونه بود: یکی حقیقت بود و یکی بمجاز، پس حقیقت دو گونه بود: یکی اندر ذات معلول بود و پاره‌ای از وی بود، یکی که بیرون از ذات معلول بود و جزوی از وی نبود ... (ابن‌سینا، ۱۳۹۴: ص ۳۵۶) ... و مجاز چنان بود که وی آن نکرده بود، ولیکن کار کرده بود که بحاصل شدن وی کارکننده دیگر را سامان کار کردی بجای آمده باشد ... (همان: ص ۳۵۹). کنشهای بیانی غزالی در صورت‌گفتمانی علت و معلول در بین صورتهای گفتمانی دیگر بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. نظرات و دیدگاههای نظری فلاسفه و متکلمین در این صورت‌گفتمانی، با هم متفاوت است و این تفاوت در گفتمانها، بسته به مواضع کسانی دارد که درباره موضوع حرف میزنند و کسانی که مخاطبین آنها هستند. ولی دیدگاه ابن‌سینا در این صورت‌گفتمانی، مناط احتیاج وجود است، یعنی چون اشیاء وجود دارند، نیازمند و محتاج علت‌اند، هر موجودی به حکم موجود بودن نیازمند غیر خواهد بود. بر پایه این نظر عمده دانشمندان علوم طبیعی معاصر و متفکران

ماتریالیست طرفدار آن هستند، همه موجودات نیازمند علتند. هیچ امر بلاغله‌ای وجود ندارد، هر آنچه که بتوان بر آن اطلاق وجود نمود، میتوان آن را نیازمند علت دانست.

صورت‌های گفتمانی نوروزنامه

نوروز در کنار جشن سده و مهرگان، یکی از عیدهای بزرگ ایرانیان بود که آن را از روزگار قدیم، در روزهایی متغیر از زمان اعتدال بهاری، جشن می‌گرفتند و برای آن آیینهای گوناگون داشتند. چگونگی پیدایش جشن نوروز و اینکه کدام یک از شاهان آن را بنیان نهاده و آیینی که در عید نوروز برپا میکردند و همچنین آداب پادشاهان ساسانی، اساس نوروزنامه را تشکیل میدهد. همین امر منجر به تشکیل صورت‌های گفتمانی متفاوت در نوروزنامه شده است. «فوکو به گزاره‌هایی که از صور تبعیت میکنند، نام صورت‌های گفتمانی داده است. و وظیفه صورت‌های گفتمانی را مشخص کردن و متمایز ساختن گفتمانهای مختلف از یکدیگر، از طریق معین کردن وحدتی که در هر گفتمان برقرار است، میداند» (تحلیل گفتمان انتقادی، آقاگل‌زاده: ص ۱۴۲). کلیه آداب و رسومی که در عید نوروز برگزار میشود از جمله گزاره‌هایی هستند که صورت‌های گفتمانی نوروز را خلق کرده‌اند.

صورت گفتمانی نوروز: صورت‌های گفتمانی در گفتمان نوروز، بمنزله خرده‌گفتمانهایی هستند که گفتمان نوروز را تشکیل میدهند. به عبارت دیگر این صورت‌های گفتمانی در زیرمجموعه گفتمانها قرار میگیرند، چراکه چند صورت گفتمانی تشکیل‌دهنده یک گفتمان است. در نوروزنامه، صورت‌های گفتمانی نوروز، طب، نجوم، خرافی یا اعتقادی؛ خرده‌گفتمانهایی هستند که گفتمان کلان نوروز را تشکیل میدهند. «قواعد حاکم بر صورت‌های گفتمانی، وجوه بیانی را تشکیل میدهند. عوامل چندی در تعیین وجوه بیانی تأثیر دارند. یکی از این عوامل عبارت است از حق اشخاص معین در استفاده از نوع خاصی از گفتمان و بکارگیری اصطلاحات ویژه» (جایگاه مفهوم صدق در آراء فوکو، پایا: صص ۵۷-۵۴). در نوروزنامه آنچه وجوه بیانی گفتمان نوروز را تشکیل میدهد تا حدودی مربوط به اعتقادات مردمان آن دوره است. یکی از گزاره‌ها این است که «آنها معتقد بودند هر که روز نوروز جشن کند و به خرمی پیوندد تا نوروز دیگر عمر در شادی و خرمی گذارد و این تجربت حکما از برای پادشاهان کرده‌اند» (نوروزنامه: ص ۵).

*وجوه بیانی دیگر بزرگداشت آفتاب است: «چنانک آفتاب از سر حمل روان شد ... بفرمان ایزد تعالی حالهای عالم دیگرگون گشت و چیزهای نو پدید آمد، چون آن وقت را دریافتند ملکان عجم، از بهر بزرگداشت آفتاب را و از بهر آنکه هرکس این روز را درنتوانستندی یافت، نشان کردند و این روز را جشن ساختند» (همان: ص ۴).

*گزاره دیگر مربوط به رعایت آیین و رسم ملوک بود: «بر پادشاهان واجبست آیین و رسم ملوک بجای آوردن از بهر مبارکی و از بهر تاریخ را و خرمی کردن به اول سال» (همان: ص ۵).

این موارد جزئی از آیینهایی هستند که برای برگزاری مراسم عید نوروز انجام میدادند. نوروز بعنوان یک جشن و عید باستانی، تاریخی طولانی دارد و مورد تأیید اسلام هم میباشد. در معارف اسلامی آمده است هر روزی که در آن گناه صورت نگیرد، عید است. امام صادق (ع) میفرماید: «کل یوم لا یصعی الله فیه فهو یوم عید» (نهج البلاغه: ص ۴۲۸). امام صادق (ع) درباره عید نوروز فرمودند: «... و هیچ روزی نیست که ما در آن متوقع گشایش و فرجی نباشیم، زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان است» (بحارالانوار، مجلسی: ص ۱۰۰). بنابراین از دیدگاه اسلام جشن گرفتن عید نوروز و شادی کردن و رعایت آداب و رسوم خاص در آن، بجا و شایسته میباشد. در گفتمان نوروزنامه، جشن نوروز دال مرکزی گفتمان است که صورت‌های گفتمانی، چون طب، نجوم و عقاید حول آن نظم یافته‌اند و هویت معنایی خود را در فرایند ارتباط با هسته مرکزی، تثبیت و عینیت میبخشد.

صورت‌گفتمانی طب: ساختارهای گفتمانی مسلط را که در بطن آنها از سلامتی بشر سخن بمیان می‌آید؛ گفتمان طبی می‌گویند (گفتمان، میلز: ص ۲۸). یک گفتمان از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌گاههای خاصی شکل می‌گیرد. گره‌گاه نشانه‌ممتازی است که سایر نشانه‌ها حول آن منظم میشوند، سایر نشانه‌ها معنای خود را از رابطه‌شان با گره‌گاه اخذ میکنند (نظریه و روش در تحلیل گفتمان، یورگنس: ص ۵۷). در گفتمان طبی «بدن» گره‌گاهی است که معنای دیگر بسیاری حول آن شکل می‌گیرند. نشانه‌هایی از قبیل «علایم بیماری» و «بافت» معنای خود را از داشتن رابطه‌ای خاص با بدن بدست می‌آورند. گفتمان طبی خیام به این صورت است: «از خوردن جو، خون کثیف و فاسد نخیزد که به استفراغ حاجت افتد، و نیز از بیماری دموی و صفراوی بیشتر ایمن بود و بیست و چهار گونه بیماری معروف را سود دارد. حمی مطبوقه، حمی محرقة، سرفه، سرسام، دق ...» (نوروزنامه: ص ۳۰).

«خورنده‌ی شراب را بیماری کم کند و اغلب تندرست باشد از جهت آنک تپها و بیماری که از خلطهای لزج و فاسد تولد کند و سبب آنکه می‌خواره را گاه‌گاه می‌افتد و گاه اسهال نگذارد که خلط بد در معده گرد آید ...» (همان: ص ۶۰). سایر گفتمانهای طبی را میتوان در صفحات ۳۱، ۴۲، مشاهده کرد. صورت‌گفتمانی نجومی: در گفتمان نجومی "آفتاب" گره‌گاهی است که معنای دیگر بسیاری حول آن شکل می‌گیرند.

«آفتاب را دو دور بود یکی آنکه هر سیصد و شصت و پنج روز و ربعی از شبانروز به اول دقیقه حمل باز آید به همان وقت و روز که رفته بود بدین دقیقه نتوان آمدن، چه هر سال از مدت، همی کم شود» (همان: ص ۲). «آفتاب از سر حمل برفت و آسمان او را بگردانید و تاریکی از روشنایی جدا گشت و شب و روز پدیدار شد و آن آغازی شد مر تاریخ این جهان را ...» (همان: صص ۳-۴).

صورت‌گفتمانی خرافی: یک گفتمان، مجموعه‌هایی از پاره‌گفتارها یا جمله‌ها، احکامی هستند که در بطن یک بافت اجتماعی وضع میشوند، توسط همان بافت اجتماعی تعیین می‌یابند و موجبات تداوم هستی آن بافت اجتماعی را فراهم می‌آورند. یا یک گفتمان متشکل از پاره‌گفتارهایی است که واحد معنا، نیرو و تاثیر در یک بافت اجتماعی دارد (گفتمان، میلز: صص ۱۹-۲۱). گفتمان خرافی یا اعتقادی که قسمتهایی از نوروزنامه را تشکیل میدهد، در بطن جامعه وضع شده است و توسط همان بافت اجتماعی تعیین یافته است و بواسطه‌ی تاثیری که در اجتماع داشته و مورد قبول همه‌ی افراد جامعه بوده‌اند، تداوم یافته‌اند. شاید امروزه در جامعه‌ی ما این گفتمان جایگاهی نداشته باشد.

«چون شب خسوف ماه، جو توان کاشت جو بکارند و نان وی دیوانگان را دهند، سود دارد» (نوروزنامه: ص ۳۱). «چون ماه زیادت باشد و به زهره نگران، بدان وقت جو بکارند، هر اسپ لاغر که از آن جو بخورد فربه شود» (همانجا).

«هر که اسپ خوار دارد بر دست دشمن خوار گردد» (همان: ص ۵۲).

دیگر موارد گفتمان خرافی را میتوان در صفحات ۳۲، ۳۸، ۴۱، ۵۸، ۵۶ مشاهده کرد. عناصر صورت‌بندی‌شده در گفتمان نوروز هر کدام جزئی از نظام گفتمانی محسوب میشود و در تشکیل محور اصلی گفتمان نوروز، نقش اساسی ایفا میکند.

صورت‌های گفتمانی کیمیای سعادت

صورت‌گفتمانی علم: گفتمان شکلی از کنش اجتماعی است که در تولید جهان اجتماعی، از جمله دانش نقش

بسیاری دارد. دانش سازنده جهان اجتماعی انسان است که از طریق تعاملات اجتماعی تولید میشود و منجر به کشف حقایق میگردد که بر سر درستی یا نادرستی آن حقایق، انسانها برقابت میپردازند (قدرت، گفتمان و زبان، سلطانی: ص ۳۷)؛ چراکه قدر و منزلت یک ملت بسته به میزان تلاش و دستاوردهای علمی آنان است، گزاره‌هایی که غزالی در عنصر گفتمانی علم بکار میگیرد دارای ویژگیهای فرامادی است. «هر که را مقصود از طلب علم، جاه و مال باشد و به علم بدست خواهد آوردن، اولیتر آنکه به کسب مشغول شود...» (کیمیای سعادت: ص ۱۳۶).

«عالمی که غرض او از علم، دنیا باشد او را از ثواب علم نصیبه بیش از آن نیست که در دنیا از مال و جاه بیابد، و در آخرت اول آتش‌افروز دوزخ او بود» (همان: ص ۴۸۶). در احکام اسلامی، علم اساس همه ارزشها و جهل ریشه همه معایب و مفساد فردی و اجتماعی است. «هیچ عزت و افتخاری بالاتر از علم نیست» (غررالحکم: ص ۸۴). طلب علم در اسلام نه دارای محدودیت زمانی است و نه محدودیت مکانی و از حیث تعلم و متعلم دارای حد و مرزی نیست. علم به گروه و قشر خاصی متعلق نیست و بر همه لازم است که در طلب آن کوشش کنند. حال آنکه غزالی کسبه را از علم‌آموزی منع میکند؛ یعنی «عمل قاعده‌مندی که دلالت بر تعداد مشخص از افراد دارد» (قدرت، گفتمان و زبان، سلطانی: ص ۴۰). کنش گفتاری غزالی در عنصر گفتمانی علم وقتی در چارچوب یک صورت‌بندی گفتمانی که خود نظام نسبتاً مستقلی را تشکیل میدهد، گرد می‌آید، گفتمانی را میسازد که شیوه اندیشیدن و معیار صدق و کذب را در دوره‌های تاریخی مشخص، مختص عده‌ای معدود میدانند و از محدودیت فردی برخوردار است. نظام معنایی که جهان‌بینی خاص با معیارهایی خاص تولید میکند.

صورت گفتمانی طعام: هر صورت گفتمانی، نوعی جامعه زبانی است که هنجارهای گفتمانی ویژه خود را دارد و در عین حال در زیرمجموعه گفتمان‌ها قرار میگیرند. «گفتمان متشکل از تعداد گزاره‌هاست که بتوان گروهی از شرایط لازم برای وجود آن را تعریف کرد. به مجموعه این گزاره‌ها، صورت‌بندی گفتمانی میگویند» (نظریه و روش در تحلیل گفتمان، یورگنس: ص ۳۵). صورت گفتمانی طعام، از تعدادی گزاره‌ها تشکیل شده است که در آن از سلامت جسم و روح بشر سخن میگویند. «هر که طعام برای آن خورد تا وی را قوت علم و عمل باشد و قدرت رفتن راه آخرت، طعام خوردن وی عبادت بود. چنانچه رسول خدا (ص) فرمودند: «مؤمن را بر همه چیز ثواب بوده تا لقمه‌ای که در دهان خود یا در دهان اهل خود...» (کیمیای سعادت: ص ۲۸۳).

غذا خوردن دارای آدابی است. آدابی که در هیاهوی زندگی شهری آن را گم کرده‌ایم. گزاره‌هایی که آداب طعام خوردن را تعیین میکنند از صور تبعیت میکنند. «هر صورت گفتمانی دارای چند عنصر اساسی است که سبب وحدت و انسجام درونی گفتمان میشود. یکی از آنها وجه بیانی است که نشان‌دهنده اهمیت و حجیت گزاره-هاست» (تحلیل گفتمان انتقادی، آفاگل‌زاده: ص ۱۴۳-۱۴۲). صورت گفتمانی طعام از چندین وجوه بیانی که نشان‌دهنده آداب طعام است، تشکیل شده است.

«آن که دست و دهان بشوید، که چون طعام خوردن بر نیت زاد آخرت بود، عبادت بود و کسی که پیش از طعام دست بشوید در خبر است که از درویشی ایمن شود»

«تا گرسنه نشود دست به طعام نبرد ... هر که دست به طعام برد و هنوز گرسنه بود که دست بازگیرد هرگز به طبیب محتاج نگردد» (کیمیای سعادت: ص ۲۸۴). امام علی (ع) میفرماید: «هر کس که خوراک پاکیزه بخورد و آن را خوب بجود و در آن هنگام که هنوز اشتها دارد، خوردن را ترک کند، به بیماری جز بیماری مرگ مبتلا نمیشود» (مکارم اخلاق، طبرسی: ص ۱۴۶). هر فرهنگی الگوهای ویژه‌ای برای غذا خوردن دارد. نوع غذا، روش

تهیه و طریقه خوردن غذا، همگی از طریق فرهنگ یک جامعه مشخص می‌گردد. قواعدی که غزالی در گزاره‌های زیر مطرح می‌کند، صورت موضوع گزاره‌های او را تشکیل می‌دهد.

«چون دست در طشت بشوید، آب دهان در پیش مردمان در طشت نیفکند؛ و کسی را که محتشم باشد تقدیم کند و اگر وی را اکرام کنند، قبول کند و از جانب راست گرداند و آب جمله دستها گرد کنند هر آبی جدا بنریزند، که این عادت عجم است» (کیمیای سعادت: ص ۲۸۹). این کنش بیانی غزالی در جامعه امروز، کاربرد ندارد زیرا فرهنگ هر دوره مختلف است و در این دوره از زمان، از نظر فرهنگی و رعایت بهداشت فردی، این گزاره مردود تلقی می‌شود.

صورت گفتمانی گرسنگی: گفتمان عملی است که بر قلمروی از دانش یا تجربه از دیدی خاص دلالت می‌کند (تحلیل انتقادی، فرکلاف: ص ۱۶۲). گزاره‌های غزالی در پرکتیس گفتمانی گرسنگی اعمالی هستند که مرید یا سالک باید آنها را انجام دهد و این اعمال برگرفته از دانش یا تجربه پیر است، کنشهای بیانی او حاکی از گرسنگی مطلق نیست ولی در ژرف ساخت گزاره‌هایش به نوعی بویی از گرسنگی مطلق بمشام میرسد.

«بدان که فضل گرسنگی نه از آن است که اندر وی رنج است (کیمیای سعادت: ص ۴۰)؛ چنانکه فضل دارو نه از آن است که تلخ است. لکن اندر گرسنگی چندین فایده است: ۱. دل، صافی و روشن گرداند. ۲. دل، رقیق شود چنانکه لذت ذکر و مناجات بیاید. ۳. شکستگی، عاجزی و بیچارگی درگاه بهشت است ... و گرسنگی، عاجزی و شکستگی آورد (همان: ص ۴۱). ۴. چون گرسنه بود از گرسنگی اهل دوزخ یاد آورد. ۵. ستور سرکش جز به گرسنگی رام و نرم نتوان کرد، نفس آدمی همچنین ...» (همان: ص ۴۲). در این گزاره‌ها هدف غزالی تصفیه روح و تهذیب نفس می‌باشد که زمینه شهود را فراهم می‌کند و در عرفان به آن توصیه می‌شود. البته گرسنگی سودمند، نه مفرط و زیان‌آور. در گزاره‌های دیگر می‌گوید:

«رسول خدا (ص) میفرمودند: «جهاد کنید با خویشتن به گرسنگی و تشنگی، که ثواب آن چون ثواب جهاد است با کفار» و همچنین حضرت عیسی (ع) فرمودند: «خویشتن را گرسنه و برهنه دارید تا باشد که دل شما حق را ببیند» (همان: ص ۳۹). اگرچه غزالی این گزاره‌ها را نقل قول می‌کند، همه اینها حدود ۸۰٪ بر گرسنگی و تشنگی تأکید می‌کنند و تا حدودی همان گرسنگی مطلق است. اگر در این گزاره‌ها اعتدال رعایت می‌شد بهتر بود، زیرا خوردن غذاهای مطبوع نه تنها مضر نیست، بلکه برای سلامتی بدن مفید و لازم است. اعتدال و میانه‌روی در خوردن و آشامیدن و همچنین بهره‌مندی از نعمتهای خداوند و انواع ماکولاتی که برای بشر خلق کرده مورد پسند و تأیید خداوند است. «بخورید و بیاشامید و اسرف نکنید» (اعراف: ۳۱). هرچند غزالی در برخی از گزاره‌ها از «اندک خوردن» سخن بمیان می‌آورد، کنشهای بیانی او در صورت گفتمانی گرسنگی، تا حدودی افراطی است و رعایت حد اعتدال در آن بچشم نمی‌خورد.

صورت گفتمانی توکل: مرحله توکل، یکی از مهمترین مباحث اخلاقی است که تأثیر زیادی در زندگی انسان دارد و در آیات و روایات مکرر بر آن تأکید شده است. مفهوم توکل به معنای چشم‌پوشی از عالم اسباب و دست روی دست گذاشتن نیست، بلکه به معنی خودسازی و بلندنظری و عدم وابستگی به غیر خداوند است. «اعتراف گفتمانی است که اعمال قدرت را به آشکارترین شکل بنمایش می‌گذارد. این برداشت از اعتراف رابطه بین اعتراف کردن و تسلیم شدن به یک رابطه قدرت را تحلیل می‌کند» (گفتمان، میلز: ص ۱۰۴). این دقیقاً همان معنای توکل است که آدمی به قدرت برتر و تسلیم شدن در برابر آن اعتراف و اذعان داشته باشد و به آن اعتماد کند.

«و معنی این حالت اعتماد دل است بر وکیل و استوار داشتن وی و آرام گرفتن به وی، تا دل در روزی نبندد و به سبب، به خلل شدن اسباب ظاهر، شکسته دل نشود؛ بلکه به خداوند اعتماد دارد که روزی به وی میرساند» (کیمیای سعادت: ص ۵۴۱). «پس توکل را هم قوت یقین باید و هم قوت دل، تا اضطراب از دل بشوید و تا آن آرام و اعتماد تمام حاصل نیاید، توکل نبود که معنی توکل، اعتماد دل است بر خدای در کارها» (همان: ص ۵۴۲)

سبک غزالی در بیان مراحل توکل بگونه‌ای است که وارد مسائل صوفیانه میشود و تمام مباحث و مطالب را عرفانی جلوه میدهد. نگارنده برای خودداری از اطالۀ کلام، به آن مباحث وارد نمیشود. او فقط یک سکه را مبیند و همیشه از روی دیگر سکه غافل میشود یا اینکه آن را نادیده میگیرد. همین امر منجر میشود به سبک و ایدیولوژی خاص غزالی که فقط سیر بسوی حق ملاک است و سبک او در این ربع عارفانه است.

نتیجه‌گیری

تضاد و تعارض در زندگی بشری امری اجتناب‌ناپذیر است. آرامترین شکل آن اختلاف، فکری و نظری است که در قالب نظامهای مختلف اعتقادی، چهره نموده است. یکی از این نمونه‌ها در آثار ابن سه نویسنده است که با هم اختلاف عقیده و نظر دارند؛ بطوریکه ابن‌سینا در تولید گفتمان الهیات از صورت‌بندی عناصر گفتمانی بهره برده است؛ بررسی این سازوکارها مشخص کرد که گفتمان او کاملاً براساس دین و مذهب است. دال مرکزی گفتمان او اثبات واجب‌الوجود میباشد. در این اثبات گفتمان او عقلی و استدلالی است و عناصر صورت‌بندی‌شده چون ضد و عدم، و علت و معلول حول دال اصلی انتظام یافته‌اند. بسامد صورت گفتمانی علت و معلول از سایر عناصری که در ایجاد الهیات نقش داشته‌اند؛ بیشتر است. گفتمان خیام در این اثر، گفتمان مادی است. او هم مثل ابن‌سینا از شگرد صورت‌بندی عناصر گفتمانی بهره برده است؛ جشن نوروز دال مرکزی گفتمان اوست که صورتهایی چون خرافه، نجوم و طب حول آن انتظام یافته‌اند. هسته مرکزی گفتمان خیام، توصیف امور مادی هست ولی گفتمان او در این روند کاملاً بی‌غرض و در وصف نعمتهای الهی است؛ گفتمان مادی و جهان بین خیام در تقابل با دو گفتمان دیگر است که بطور ضمنی جان‌بین میباشند. هرچند این دو گفتمان جان‌بین نیز در تعارض باهم میباشند؛ چراکه آدمی جز با قرار گرفتن در دل چارچوبی گفتمانی قادر به هیچگونه ادراکی از عالم و آدم نخواهد بود و اساس هرگونه فهمی، جز بر درک گفتمانی، استوار نیست که بوسیله تقابل و غیریت‌سازی با ادراک گفتمانی دیگر، حاصل میشود. خیام و گفتمانش دهری محسوب میشود، ولی دو شخصیت دیگر مبرای از خیام میباشند. گفتمانی که غزالی در کیمیای سعادت بکار برده است، گفتمان عرفانی و زاهدانه، در برخی موارد اندک شرعی است. او برای تولید این اثر، از شگرد صورت‌بندی در جریان نظم گفتمانی بهره برده است. او با قرار گرفتن در موقعیت سوژگی، گفتمان خود را که عناصر آن حول هسته مرکزی عرفان، صورت‌بندی شده است، پیش میبرد و با تلفیق پاره‌گفتارهای دینی، تاریخی و اجتماعی و صورت‌بندیهای محتوایی و زبانی، گفتمانش را استوار میکند. آخرت‌گرایی و رسیدن به خدا دال مرکزی گفتمان غزالی را تشکیل میدهند و عناصر گفتمانی، در اطراف آن نظم مییابند. پشت‌گرمی غزالی به قدرت دربار و صاحبان آن، این امکان را برایش فراهم کرد تا گفتمان او بعنوان گفتمان غالب در رأس همه گفتمانهای دیگر قرار بگیرد و او با استفاده از قدرتی که دربار در اختیار او گذاشته بود، بر سایر گفتمانها فشار ایجاد کرد و آنها را از میدان گفتمانی طرد کرد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان استخراج شده است. آقای دکتر علی تسلیمی راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم ناهیده زرعی به عنوان پژوهشگر این رساله و نویسنده مسئول در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر محمد خزانه‌دارلو نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

The Holy Quran

Adam, jaworski & coupled, Nikolas. (1999). The Discourse Reader Route, p.3.

Aghagolzadeh, Ferdows. (2015). Critical Discourse Analysis, Third Edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications.

Amadi, Abolfath. (2013). Ghorar al-Hakam, author of Seyed Hashem Rasooli Mahalaei, 13th edition, Tehran: Farhang Publishing Office.

Aristotle. (1984). The complete works of Aristotle, Barnes, (ed), u.s, princeton university press, p98.

Coupland, N.& Jaworsski, A. (1999). the discourse reader, London Routledge, p159.

Dashti, Mohammad. (2001). Nahj al-Balaghah, Ch 1, Qom: Mashhu, P. 428.

Fairclough, Norman. (2010). Critical Analysis of Discourse, Translated by Fatemeh Shayesteh Piran, Third Edition, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, p. 162.

Foucault, Michel. (1977). The political function of the intellectual, Radical philosophy, pp. 12-14.

- Ghazali, Mohammad. (2014). *The Alchemy of Happiness*, by Hossein Khadiv Jam, 16th edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications, p. 234.
- Homayi, Jalaluddin. (2019). *Ghazalnameh*, Tehran: Zavvar, p. 18.
- Ibn Sina, Abu Ali Hussein Ibn Abdullah. (2015). *Alaei Encyclopedia, Introduction, Margins and Corrections of Mohammad Moein*, Mohammad Mashkoot, Taqi Binesh, Tehran: Mola, p.432.
- Jurgens, Marian & Phillips, Louise. (2015). *Theory and Method in Discourse Analysis*, translated by Hadi Jalili, third edition, Tehran: Ney Publishing, p. 35.
- Khayyam, Omar. (2013). *Nowruznameh, Ch 3*, edited by Mojtaba Minavi, Tehran: Asatir.
- Majlisi, Mohammad Baqer. (2007). *Bihar Al-Anwar*, translated by Musa Hamedani, Volume 5, Fourth Edition, Tehran: Islamic Publications, p. 100.
- Mills, Sara. (2009). *Discourse*, translated by Fattah Mohammadi, second edition, Zanjan: third millennium. p. 29.
- Paya, Ali. (1997). *The place of the concept of truth in Foucault's views*, Letter of Culture, No. 33, pp. 69-52
- Salbia, Jamil. (1987). *Philosophical Culture, Vol. 1*, translated by Manouchehr Sanei Darreh Bidi, Tehran: Hekmat, p. 463.
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad. (1981). *The Wisdom of the Transcendent, Vol. III*, Beirut: Dar al-Ahyaa for Arab Heritage, p. 83.
- Soltani, Ali Asghar. (2005). *Power, Discourse and Language*, Tehran: Ney, p. 107.
- Tabarsi, Hassan Ibn Fazl. (1989). *Makarem Akhlaq*, translated by Ibrahim Mirbagheri, Qom: Habib Publications, p. 146.
- Vandik. (2010). *Studies in Discourse Analysis, Ch III*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, p.18.
- Zeymaran, Mohammad. (2018). *Michel Foucault: Knowledge and Power, Ch 9*, Tehran: Hermes, p. 51.

فهرست منابع

قرآن کریم

آثار کامل ارسطو، بارنز، (۱۹۸۴)، (ویرایش)، تهران: دانشگاه علوم پزشکی.
بحارالانوار، مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۶)، ترجمه موسی همدانی، جلد ۵، چاپ چهارم، تهران: اسلامیه.
تحلیل انتقادی گفتمان، فرکلاف، نورمن، (۱۳۸۹) ترجمه فاطمه شایسته پیران، چاپ سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

تحلیل گفتمان انتقادی، آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۴)، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
جایگاه مفهوم صدق در آراء فوکو، پایا، علی، (۱۳۷۵) نامه فرهنگ، شماره ۳۳، صص ۶۹-۵۲.
حکمه المتعالیه، شیرازی، صدرالدین محمد، (۱۹۸۱)، جلد سوم، بیروت: دار الاحیاء للتراث العربی.

- دانشنامه‌ی علایی، ابن‌سینا، ابوعلی حسین‌بن عبدالله، (۱۳۹۴)، مقدمه، حواشی و تصحیح محمد معین، محمدمشکوت، تقی بینش، تهران: مولی.
- غررالحمک، آمدی، ابوالفتح (۱۳۹۲)، تصحیح سید هاشم رسولی محلائی، چاپ سیزدهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ.
- غزالی‌نامه، همایی، جلال‌الدین، (۱۳۹۷)، تهران: زوار.
- فرهنگ فلسفی، صلبیا، جمیل، (۱۳۶۶)، ج ۱، ترجمه‌ی منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: حکمت.
- قدرت، گفتمان و زبان، سلطانی، علی‌اصغر، (۱۳۸۴) تهران: نشر نی.
- کیمیای سعادت، غزالی، محمد، (۱۳۹۳) به کوشش حسین خدیوچم، چاپ شانزدهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- گفتمان، میلز، سارا، (۱۳۸۸)، ترجمه‌ی فتاح محمدی، چاپ دوم، زنجان: هزاره‌سوم.
- مطالعاتی در تحلیل گفتمان، ون‌دایک، (۱۳۸۹)، چاپ سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکارم اخلاق، طبرسی، حسن‌بن فضل، (۱۳۶۸)، ترجمه‌ی ابراهیم میرباقری، قم: حبيب.
- میشل فوکو: دانش و قدرت، ضیمران، محمد، (۱۳۹۶)، چاپ نهم، تهران: هرمس.
- نظریه و روش در تحلیل گفتمان، یورگنس، ماریان، فیلیپس، لوئیز، (۱۳۹۴) ترجمه‌ی هادی جلیلی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- نوروزنامه، خیام، عمر، (۱۳۹۲)، چاپ سوم، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: اساطیر.
- نهج‌البلاغه، (۱۳۷۹)، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم: مشهور.

معرفی نویسندگان

ناهیده زرعی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

(Email: nadiazarei25@yahoo.com) (نویسنده مسئول)

علی تسلیمی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

(Email: taslimy1340@yahoo.com)

محمد خزانه‌دارلو: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

(Email: khazaneh2002@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Nahideh Zarei: PhD student in Persian language and literature, University of Guilan, Rasht, Iran.

(Email: nadiazarei25@yahoo.com) Responsible author)

Ali Taslimi: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Guilan, Rasht, Iran.

(Email: taslimy1340@yahoo.com)

Mohammad Khazaneh Darloo: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Guilan, Rasht, Iran.

(Email: khazaneh2002@yahoo.com)